



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

## دلایل سرمایه‌گذاری چینی‌ها در آفریقا طی دهه ۲۰۰۰-۱۹۹۰: چکیده‌ای از گزارش بانک جهانی

از مجموعه انتشارات دانشگاه آکسفورد به نمایندگی از بانک جهانی بازسازی و توسعه



فروردین ۱۴۰۱

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

دلایل سرمایه‌گذاری چینی‌ها در آفریقا  
طی دهه ۲۰۰۰-۱۹۹۰: چکیده‌ای از گزارش بانک جهانی

مدیریت پژوهش‌های اقتصادی

تهیه‌کننده: فرناز صفدری

ناظر: شیما حاجی نوروژی

تاریخ انتشار: فروردین ۱۴۰۱

واژه‌های کلیدی: آفریقا، چین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی و افقی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵



## فهرست مطالب

۵	خلاصه مدیریتی
۷	مقدمه
۸	چگونگی توزیع و حجم کلی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی چین در آفریقا
۱۰	چارچوب مفهومی
۱۱	داده‌ها
۱۵	نتایج مطالعه
۱۶	جمع‌بندی
۱۷	منبع



## خلاصه مدیریتی

در سال‌های اخیر مقوله قدرت، اشکال دیگری به خود گرفته است و صحنه اقتصاد به یکی از ملموس‌ترین زمینه‌های آشکارسازی آنچه قدرت نرم خوانده می‌شود، تبدیل شده است. چین طی دهه ۲۰۰۰-۱۹۹۰ سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در کشورهای آفریقایی انجام داده است. این مقاله با برجسته ساختن تأثیر ویژگی‌های کشوری و بخش‌های اقتصادی کشورهای آفریقایی به بررسی چرایی سرمایه‌گذاری جمهوری خلق چین در این قاره پرداخته است. رویکرد مفهومی این مقاله در تبیین نوع ارتباط اقتصادی چین با آفریقا می‌تواند در تبیین سیاست خارجی کشور و اتخاذ دیپلماسی عمومی کارآمد در این ارتباط مؤثر واقع شود.

چارچوب مفهومی این مقاله یک اقتصاد جهانی چندبخشی و چندکشوری برخوردار از سرمایه و نیروی کار به عنوان عوامل اصلی تولید است. کشورها از نظر توزیع عوامل تولید، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون و بخش‌ها نیز از نظر شدت وابستگی به عوامل تولید متفاوت‌اند. سرمایه‌گذاران چینی در راستای حداکثرسازی سود خود انتخاب می‌کنند که در کدام کشور و کدام بخش سرمایه‌گذاری کنند. در چارچوب مقاله حاضر هر دو نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یعنی عمودی و افقی در نظر گرفته شده‌اند.

مقاله حاضر ابتدا به دنبال تبیین چگونگی توزیع و حجم کلی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی چین در آفریقا است. توزیع کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین بین ۴۹ کشور آفریقایی مورد مطالعه با مجموعه‌ای از متغیرها اندازه‌گیری شده‌اند که موارد زیر را می‌سنجند (۱) اندازه بازار (تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید)؛ (۲) سهم رانت منابع طبیعی در اقتصاد و (۳) حکمرانی. برای حکمرانی دو معیار متمایز از شاخص‌های حکمرانی جهانی در نظر گرفته شده است که عبارتند از: نخست، حاکمیت قانون (به معنای میزان باور و پایبندی کارگزاران به قوانین جامعه و به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، نظم و قانون و دادگاه‌ها، و نیز احتمال وقوع جرم و جنایت و خشونت). دوم، ثبات سیاسی و فقدان خشونت/تروریسم (به معنای احتمال بی‌ثباتی یا سرنگونی دولت با ابزارهای غیرقانونی یا خشونت‌آمیز، از جمله خشونت با انگیزه سیاسی و تروریسم). نتایج مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سایر کشورها در قاره آفریقا جذب محیط‌هایی شده است که از حقوق مالکیت و حاکمیت قانون خوبی برخوردارند، درحالی‌که سرمایه‌گذاری چینی‌ها در محیط‌هایی که ثبات سیاسی بهتری داشته‌اند بیشتر بوده است. زیرا چینی‌ها نسبت به حاکمیت قانون در مقایسه با سرمایه‌گذاران غربی حساسیت کمتری دارند. در واقع، کشورهای آفریقایی که به طور قابل توجهی وضعیت بهتری در ثبات سیاسی در مقایسه با حاکمیت قانون داشته‌اند مانند آنگولا، اریتره، ماداگاسکار، زامبیا، و زیمبابوه همگی سهم قابل ملاحظه‌ای سرمایه‌گذاری چینی نسبت به کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خود دریافت کرده‌اند. در واقع، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین با حقوق مالکیت/حاکمیت قانون همبستگی منفی اندکی دارد که نشان می‌دهد چینی‌ها توجه کمتری به مسئله حقوق مالکیت/حاکمیت قانون ندارند و این در حالی است که سرمایه‌گذاری چینی‌ها در آفریقا همبستگی مثبتی با ثبات سیاسی دارد.

همچنین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در کشورهای آفریقایی، با اندازه بازار و غنی بودن کشورها به لحاظ منابع طبیعی همبستگی مثبت دارد. این ضرایب همبستگی مشابه ضرایب همبستگی کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سایر کشورها در قاره آفریقا است. بر اساس یافته‌های دیگر مطالعه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در بخش‌های مهارت‌بر در کشورهای آفریقایی دارای مهارت بالا و در بخش‌های سرمایه‌بر در کشورهای آفریقایی کم‌سرمایه بیشتر بوده است. شدت این رابطه در اقتصادهای آفریقایی پریسک، یعنی اقتصادهایی که از نظر سیاسی ثبات کمتری دارند، به امید سود انتظاری بالاتر به صورت قوی‌تری برقرار بوده است. گسترش بازار یکی دیگر از دلایل سرمایه‌گذاری چینی‌ها در آفریقا بوده است. از این‌رو، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی چین در کشورهای آفریقایی که بازار بزرگتری داشته‌اند بیشتر بوده است که به دلیل دستیابی به اندازه بازار بزرگتر یا هزینه‌های بالاتر حمل کالا یا خدمات از چین به آنها صورت گرفته است.

تعدادی از سرمایه‌گذاری‌های کلان که در حوزه پروژه‌های منابع طبیعی صورت گرفته است، توسط شرکت‌های دولتی چین انجام شده‌اند. اما سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی کوچک و متوسط چین در آفریقا تصویر بهتری از سرمایه‌گذاری چینی‌ها در این قاره نشان می‌دهد. حدود ۷۲ درصد از پروژه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی چین در بخش‌های خدماتی بوده‌اند، در حالی که ۱۵ درصد از آنها در بخش تولیدات صنعتی و مابقی تقریباً به طور مساوی بین بخش کشاورزی و بخش‌های مرتبط با منابع طبیعی تقسیم شده‌اند. دو بخشی که بالاترین تعداد پروژه‌های سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده‌اند عبارتند از: خدمات کسب‌وکار (۱۰۵۳ پروژه) و واردات و صادرات (۵۳۹ پروژه). بنابراین، برخلاف تصور رایج، اکثر پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی چین در بخش‌های مرتبط با منابع طبیعی صورت نگرفته است، بلکه به طور عمده به بخش‌های خدماتی راه یافته‌اند. برای نمونه، در نیجریه نفت خیز، حدود دو سوم پروژه‌ها در بخش خدمات بوده‌اند.

## مقدمه

در سال‌های اخیر، افزایش تجارت چین با آفریقا و سرمایه‌گذاری در این قاره، رشد آفریقا را تقویت کرده است، اما جنجال‌های قابل ملاحظه‌ای نیز پیرامون این مسئله مطرح است. داده‌های کل در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در کشورهای آفریقایی نشان می‌دهد که سهم چین از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این قاره اندک بوده، اگرچه به سرعت در حال رشد است. این نکته را باید متذکر شد که تفاوتی در سطح گرایش چین به کشورهای غنی از منابع طبیعی با گرایش کشورهای غربی به این کشورها ملاحظه نشده است. نکته دیگر این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین با معیارهای حاکمیت قانون هم‌خوانی ندارد، در حالی که سرمایه‌گذاری کشورهای غربی با معیارهای حاکمیت قانون سازگارتر است. در نتیجه، سرمایه‌گذاری چین در محیط‌های با حکمرانی قوی و ضعیف تقریباً یکسان بوده است، اما سهم سرمایه‌گذاری‌های چین در کشورهایی که حاکمیت‌های ضعیف‌تری دارند در مقایسه با سهم سرمایه‌گذاری‌های جهانی در این کشورها بیشتر است.

برخی از شرکت‌های چینی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌دهند باید در وزارت بازرگانی این کشور نام خود را به ثبت برسانند. پایگاه داده این وزارتخانه اطلاعاتی مانند موقعیت شرکت چینی و کشوری که سرمایه‌گذاری در آن جریان دارد و شرحی از پروژه سرمایه‌گذاری را به زبان چینی ارائه می‌دهد. با این حال، حجم سرمایه‌گذاری را نشان نمی‌دهد. داده‌های خرد احصاء شده از پایگاه داده‌های وزارت بازرگانی چین<sup>۱</sup> در مورد شرکت‌های بورسی چینی که بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ در آفریقا سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اطلاعات ارزشمندی را در این زمینه ارائه می‌دهد. در این پایگاه داده، شرکت‌های خصوصی کوچک و متوسط چینی که در آفریقا سرمایه‌گذاری کرده‌اند مشخص شده‌اند که این سرمایه‌گذاری‌ها در ۲۵ صنعت-بخش کدگذاری شده‌اند. بر اساس داده‌های تبادلات تجاری بنگاه‌های چین که از این پایگاه احصاء شده است، سرمایه‌گذاری چینی‌ها در آفریقا طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۸ توسط حدود ۲۰۰۰ شرکت چینی در ۴۹ کشور آفریقایی انجام شده است. بر اساس نام شرکت‌های سرمایه‌گذار در این پایگاه داده، بیشتر بنگاه‌های سرمایه‌گذار خصوصی هستند که بسیار کوچک‌تر از شرکت‌های بزرگ دولتی سرمایه‌گذار در استخراج منابع طبیعی‌اند. این داده‌ها بینشی در مورد آنچه بخش خصوصی چین در آفریقا انجام می‌دهد ارائه می‌کند. پروژه‌ها در ۲۵ صنعت با پوشش تمامی بخش‌های اقتصاد دسته‌بندی شده‌اند.

برخلاف تصور رایج، پروژه‌های سرمایه‌گذاری کمی در بخش منابع طبیعی کشورهای آفریقایی انجام شده است. **بیشتر پروژه‌ها در بخش خدمات هستند و تعدادی نیز در بخش تولیدات صنعتی است.** تحلیل رگرسیون سطح بخش-کشور بر اساس داده‌های خرد بنگاهی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین، هم افقی و هم عمودی، مانند سرمایه‌گذاری سایر کشورها سودمحور بوده است و راهی بخش‌هایی شده که

<sup>1</sup>- Ministry of Commerce of the People's Republic of China (MOFCOM)



حداکثرسازی بازده انتظاری را به همراه داشته باشد. به‌ویژه، رگرسیون‌ها نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری چینی‌ها در بخش‌های مهارت‌بر در کشورهای دارای نیروی کار ماهر و در بخش‌های سرمایه‌بر در کشورهای کم‌سرمایه متمرکزتر شده است.

از سال ۲۰۰۰، چین در قامت بزرگترین شریک تجاری آفریقا ظاهر شده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین و اعطای وام به کشورهای آفریقایی نیز به سرعت رشد کرده است. در همین حال، رشد این قاره سرعت گرفته است. مقایسه نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی متوسط کشورهای آفریقایی از سالانه ۰.۶ درصد در دهه ۱۹۹۰ به ۲.۸ درصد در دهه ۲۰۰۰ مؤید رشد اقتصادی این قاره طی ۱۰ سال سرمایه‌گذاری چین در آن است. یکی از عوامل شتاب رشد کشورهای آفریقایی در این ده سال، تقویت نهادها و سیاست‌های کلان اقتصادی آنها بوده است. از طرف دیگر، تقاضای چین برای کالاهای صادراتی اصلی این قاره- نفت، آهن، مس، روی و سایر مواد اولیه- به بهبود شرایط تجارت و افزایش حجم صادرات کشورهای آفریقایی -به عنوان عوامل مهم دیگر در شتاب رشد اقتصادی کشورهای آفریقایی- انجامیده است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵).

در گزارش افکارسنجی جهانی پیو<sup>۱</sup> ۲۰۱۵، پاسخ‌دهندگان آفریقایی (۷۰ درصد) نسبت به پاسخ‌دهندگان سایر مناطق مانند اروپا (۴۱٪)، آسیا (۵۷٪) یا آمریکای لاتین (۵۷٪) دیدگاه مثبت‌تری نسبت به چین به ثبت رساندند که احتمالاً بازتابی از تأثیر مثبت مشارکت چین بر رشد اقتصادی این قاره است. در عین حال، باز شدن پای چین به اقتصاد آفریقا بدون در نظر گرفتن مباحثی پیرامون این حضور نبوده است، همانطور که در برخی مطبوعات غربی از آن با عناوینی چون «هجوم وحشیانه چین به آفریقا»، «حضور چین در آفریقا: سرمایه‌گذاری یا بهره‌برداری؟» و «هشدار کلیتون نسبت به استعمار جدید در آفریقا» یاد شده است.

در این مقاله یک جنبه از ورود چین به اقتصاد آفریقا، یعنی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین بررسی شده است.

## چگونگی توزیع و حجم کلی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی چین در آفریقا

آمار رسمی چین در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور در آفریقا تناقضاتی را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری چین در آفریقا هم در مقیاس بزرگ و هم کوچک صورت گرفته است. کوچک به این معنی که چین دیر وارد آفریقا شده است و سهم بسیار کمی از کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در این قاره به خود اختصاص داده است. در پایان سال ۲۰۱۱، ارزش کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در این قاره ۶۲۹ میلیارد دلار بوده که سهم چین از آن ۳.۲ درصد بوده است. اما سهم سرمایه‌گذاری چین در آفریقا به مرور و در طول زمان افزایش یافته است. از طرف دیگر، سرمایه‌گذاری چین در آفریقا به طور نسبی بزرگ است. به طور کلی، میزان سرمایه‌گذاری جهان در کشوری

<sup>۱</sup> - Pew Global Attitudes survey

مثل ایالات متحده شش برابر بیشتر از آفریقا است که این واقعیت را نشان می‌دهد که سهم بیشتر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به اقتصادهای پیشرفته اختصاص می‌یابد. با این حال، الگوی سرمایه‌گذاری چین متفاوت است. از پایان سال ۲۰۱۳، چین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری در آفریقا (۲۶ میلیارد دلار) نسبت به سرمایه‌گذاری‌اش در ایالات متحده (۲۲ میلیارد دلار) داشته است. بنابراین، تمرکز نسبی چین در آفریقا بسیار زیاد بوده است، اگرچه در مجموع بازیگر کوچکی در سرمایه‌گذاری‌های این قاره بوده است.

اما الگوی توزیع سرمایه‌گذاری‌های چین بین کشورهای آفریقایی چگونه بوده است؟ آیا شبیه یا متفاوت از الگوی سرمایه‌گذاران موجود عمدتاً غربی است. نقطه شروع برای پاسخ به این پرسش، توزیع کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بین این ۴۹ کشور آفریقایی است. در سطح جهانی، توزیع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان به خوبی با مجموعه‌ای از متغیرهایی که عوامل زیر را اندازه‌گیری می‌کنند توضیح داد: (۱) اندازه بازار (تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید)؛ (۲) رانت منابع طبیعی به عنوان سهم از اقتصاد و (۳) حکمرانی. برای حکمرانی دو معیار متمایز از شاخص‌های حکمرانی جهانی در نظر گرفته شده است:

• **حاکمیت قانون:** میزان باور و پایبندی کارگزاران به قوانین جامعه و به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، نظم و قانون و دادگاه‌ها، و نیز احتمال وقوع جرم و جنایت و خشونت را نشان می‌دهد.

• **ثبات سیاسی و فقدان خشونت/تروریسم:** احتمال بی‌ثباتی یا سرنگونی دولت با ابزارهای غیرقانونی یا خشونت‌آمیز، از جمله خشونت با انگیزه سیاسی و تروریسم را اندازه‌گیری می‌کند.

از آنجا که سرمایه‌گذاری چینی نسبت به حقوق مالکیت و حاکمیت قانون حساس نیست، حجم مشابهی از سرمایه‌گذاری چینی در کشورهای آفریقایی دارای حکمرانی خوب و کشورهای دارای حکمرانی ضعیف در قاره آفریقا دیده می‌شود. ثبات سیاسی و حاکمیت قانون نسبتاً همبستگی بالایی دارند (۲.۸ بین کشورهای آفریقایی). با این حال، کشورهای آفریقایی که به طور قابل توجهی وضعیت بهتری در ثبات سیاسی در مقایسه با حاکمیت قانون داشته‌اند مانند آنگولا، اریتره، ماداگاسکار، زامبیا، و زیمبابوه همگی سهم قابل ملاحظه‌ای سرمایه‌گذاری چینی نسبت به کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خود دریافت کرده‌اند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در کشورهای آفریقایی، با اندازه بازار و غنی بودن کشورها به لحاظ منابع طبیعی همبستگی مثبت دارد. اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین با حقوق مالکیت/حاکمیت قانون همبستگی منفی اندکی دارد که نشان می‌دهد چینی‌ها توجهی به مسئله حقوق مالکیت/حاکمیت قانون ندارند و این در حالی است که سرمایه‌گذاری چینی‌ها در آفریقا همبستگی مثبتی با ثبات سیاسی دارد. علاوه بر این، جمعیت به عنوان سنجه اندازه بازار و نه فقط تولید ناخالص داخلی کل، برای سرمایه‌گذاران چینی مهم بوده است. به طور کلی، مقایسه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چینی‌ها در آفریقا با سرمایه‌گذاری مستقیم

خارجی سایر کشورها در این قاره نشان می‌دهد: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سایر کشورها در قاره آفریقا جذب محیط‌هایی شده است که از حقوق مالکیت و حاکمیت قانون خوبی برخوردارند، درحالی که سرمایه‌گذاری چینی‌ها در محیط‌هایی که ثبات سیاسی بهتری داشته‌اند بیشتر بوده است.

## چارچوب مفهومی

این بخش چارچوب مفهومی مطالعه حاضر را با استفاده از داده‌های سطح شرکت مورد بحث قرار می‌دهد. برای این منظور، یک اقتصاد جهانی چندبخشی و چند کشوری را در نظر بگیرید. بخش‌ها از نظر مهارت و میزان سرمایه متفاوت هستند، در حالی که کشورها از نظر بهره‌مندی از عوامل تولید، کیفیت محیط نهادی و ثبات سیاسی متفاوت‌اند. یک سرمایه‌گذار (شرکت) از کشور مبدأ را در نظر بگیرید که تصمیم می‌گیرد در کدام کشور و بخش سرمایه‌گذاری کند. انگیزه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند فروش کالاها و خدمات در کشور میزبان، از جمله واسطه‌گری تجاری از کشور مبدأ (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی)، یا بهره‌برداری از هزینه‌های پایین‌تر تولید در مقایسه با کشور مبدأ (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی) باشد.

ابتدا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی را در نظر می‌گیریم: انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبتاً بیشتری در بخش‌هایی صورت بگیرد که بازده سرمایه‌گذاری بالاتر است. در دنیای چند عاملی، چند کشوری و چندبخشی که تحرک نیروی کار کامل و بی‌نقص نیست، بازده سرمایه‌گذاری در بخش‌های مهارت‌بر در کشوری که دارای نیروی کار ماهر است بیشتر خواهد بود، زیرا هزینه نیروی کار ماهر در این کشورها نسبتاً پایین‌تر از کشورهای دیگر است که با کمیابی نیروی کار ماهر روبه‌رو هستند. انتظار می‌رود چنین رابطه مثبتی بین فراوانی سرمایه در یک کشور و میزان سرمایه در بخش‌های اقتصاد آن دیده شود. با این حال، با توجه به تحرک قابل توجه سرمایه، این امر امکان‌پذیر است که در کشورهایی که سرمایه کمیاب است و در نتیجه هزینه اجاره سرمایه بالا است، شاهد جریان سرمایه بیشتری از جانب چین در بخش‌های سرمایه‌بر در این کشورها باشیم. پیش‌بینی‌های فوق در خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی چین را به صورت فرضیه زیر در نظر می‌گیریم:

### ❖ فرضیه ۱: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در آفریقا در بخش‌های مهارت‌بر در

کشورهای دارای نیروی کار ماهر فراوان‌تر است، در حالی که سرمایه‌گذاری چینی‌ها در

بخش‌های سرمایه‌بر در کشورهای آفریقایی کم‌سرمایه بیشتر است.

اما در مورد ثبات سیاسی و حاکمیت قانون (به عنوان سنجه‌هایی برای محیط نهادی) در کشورهای مقصد سرمایه‌گذاری وضعیت چگونه است؟ بی‌ثباتی سیاسی ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. اگر سایر عوامل همگی برابر باشند، باید انتظار داشته باشیم بی‌ثباتی سیاسی کشور مقصد تأثیر منفی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته باشد. از طرف دیگر، چنانچه شرکتی حاضر به سرمایه‌گذاری در کشوری گردد که با ریسک بالاتری از نظر

بی‌ثباتی سیاسی روبه‌رو است، پروژه‌هایی با بالاترین بازده مورد انتظار را انتخاب می‌کند تا سطوح بالاتر ریسک در یک محیط ناپایدار سیاسی را جبران کند. همین امر را می‌توان در مورد تأثیرات حاکمیت قانون (و نقطه مقابل آن، به معنای سلب مالکیت سرمایه توسط دولت) بیان کرد. بنابراین، فرضیه دوم به این صورت مطرح می‌شود:

❖ **فرضیه ۲: رابطه بیان شده در فرضیه نخست در بالا، در محیط‌های پرریسک (بر اساس شاخص‌هایی چون ثبات سیاسی یا حاکمیت قانون) به شکل قوی‌تری برقرار است.**

در نهایت، بازمی‌گردیم به بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی (یا جستجوی بازار). انتظار می‌رود شاهد سرمایه‌گذاری بیشتری از سوی چینی‌ها در کشورهای آفریقایی با بازار بزرگ‌تر باشیم. این رابطه مثبت زمانی که هزینه صادرات از چین به کشور مقصد بیشتر باشد، باید قوت بیشتری پیدا کند. از منظر بخش‌ها اگر به این موضوع نگاه کنیم، انتظار می‌رود در بخش‌های خدماتی مرتبط با تجارت، چنانچه هزینه تجارت بالا باشد یا کشور مقصد دارای بازار بزرگی باشد، شاهد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری از سوی چین باشیم. بر این اساس، فرضیه سوم به ما می‌گوید:

❖ **فرضیه ۳: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی چین در کشورهای آفریقایی که بازار بزرگتری دارند بیشتر صورت می‌گیرد، به‌ویژه چنانچه هزینه صادرات از چین به این کشورها بالاتر باشد.**

## داده‌ها

در پایگاه داده‌های وزارت بازرگانی چین، اکثر شرکت‌های سرمایه‌گذار در قاره آفریقا، به‌ویژه از سال ۲۰۰۰ به بعد، شرکت‌های خصوصی هستند. داده‌های خام شامل ۲۰۰۵ قرارداد سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی با پوشش ۴۹ کشور در قاره آفریقا هستند.

پنج کشور برتر مقصد سرمایه‌گذاری چینی‌ها عبارتند از: نیجریه، آفریقای جنوبی، زامبیا، اتیوپی و مصر، که نیجریه با داشتن ۱۲ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌ها پیشتازی آشکاری دارد.

توزیع جغرافیایی سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر در مناطق شرق و آفریقای جنوبی متمرکز بوده است، در حالی که آفریقای مرکزی و غربی، به استثنای نیجریه، به نسبت سرمایه‌گذاری‌های کمتری را جذب کرده‌اند. در شرق آفریقا، کشورهایی مانند اتیوپی، و تا حدودی کنیا و تانزانیا، در مقایسه با برخی از کشورهای آفریقای جنوبی مانند زامبیا، آنگولا و آفریقای جنوبی منابع طبیعی نسبتاً کمتری دارند.

برخی از دلایل برجسته شدن آفریقای شرقی به عنوان یک مقصد محبوب برای سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی چین به زیرساخت‌های نسبتاً توسعه‌یافته‌تر آن از جمله بنادر و نزدیکی نسبی آن به چین بازمی‌گردد. ناحیه آفریقای

شرقی یک اتحادیه گمرکی و بلوک تجاری واحد را تشکیل می‌دهد که عمدتاً با وام‌های دریافتی از دولت چین سرمایه‌گذاری زیادی در زیرساخت‌ها انجام داده است؛ مانند پروژه احداث نیروگاه برق‌آبی کاروما<sup>۱</sup> در اوگاندا و طرح نوسازی راه‌آهن قدیمی این منطقه با عنوان «استاندارد گاج ریل»<sup>۲</sup> که از مبدأ کنیا آغاز می‌شود. این پروژه‌ها ارتباط بین کشورهای شرق آفریقا را افزایش داده و زمینه تأمین انرژی را به صورت مطمئن و قابل اعتماد در سال‌های آینده فراهم می‌کنند که این منطقه را به مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاری‌ها تبدیل می‌کند.

پروژه‌های سرمایه‌گذاری چینی‌ها در قاره آفریقا بر اساس دسته‌بندی سازمان ملل متحد در قالب ۱۳ زیربخش تولیدات صنعتی، ۷ زیربخش خدمات، ۲ زیربخش کشاورزی و ۲ زیربخش معدن تقسیم شده‌اند. جدول ۱ تعداد شرکت‌های چینی سرمایه‌گذار و تعداد پروژه‌های سرمایه‌گذاری را به تفکیک کشورهای آفریقایی نمایش می‌دهد. در ادامه، جدول ۲، توزیع سرمایه‌گذاری‌های چین را در بخش‌های مختلف اقتصاد آفریقا نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup>- Karuma Hydroelectric power project

<sup>۲</sup>- Standard Gauge Rail

جدول ۱: ۲۰ کشور آفریقایی برتر مقصد سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی

کشور	تعداد پروژه‌های سرمایه‌گذاری چین	تعداد شرکت‌های چینی سرمایه‌گذار
نیجریه	۴۰۴	۲۴۰
آفریقای جنوبی	۲۸۰	۱۵۲
زامبیا	۲۷۳	۱۲۵
اتیوپی	۲۵۵	۱۱۴
مصر	۱۹۷	۹۹
جمهوری دموکراتیک کنگو	۱۹۳	۸۰
غنا	۱۹۲	۹۰
آنگولا	۱۸۹	۸۰
زیمبابوه	۱۶۷	۶۸
تانزانیا	۱۴۹	۸۵
سودان	۱۴۸	۷۸
کنیا	۱۳۷	۷۱
الجزایر	۱۲۳	۷۵
موزامبیک	۹۴	۴۱
اوگاندا	۸۹	۴۵
گابن	۷۱	۲۳
مالی	۶۸	۳۳
نامیبیا	۶۶	۳۰
موریس	۶۵	۴۰
کامرون	۶۰	۲۸

جدول ۲: توزیع بخشی سرمایه‌گذاری‌های چین در قاره آفریقا

تعداد پروژه‌های سرمایه‌گذاری در هر بخش	توضیحات بخش‌های اقتصادی
<b>کشاورزی</b>	
۷۲	محصولات گیاهی
۴۱	حیوانات زنده؛ تولید محصولات حیوانی
۹۶	مصنوعات سنگ، گچ، سیمان و غیره
۷۶	ماشین آلات و لوازم مکانیکی؛ تجهیزات الکتریکی
۷۵	منسوجات و نساجی
۶۴	مواد غذایی آماده؛ نوشیدنی‌ها، الکل و سرکه؛ تنباکو
۵۴	کفش، روسری، چتر و غیره
۴۵	محصولات شیمیایی یا صنایع وابسته
۴۵	سایر تولیدات صنعتی
۴۰	وسایل نقلیه، هواپیما، کشتی و سایر تجهیزات حمل و نقل مرتبط
۳۵	چوب و اشیاء چوبی
۲۲	پلاستیک و مصنوعات وابسته؛ لاستیک و مصنوعات وابسته
۱۷	مصنوعات تولیدی متفرقه
۱۵	خمیرچوب یا سایر مواد سلولزی فیبری
۹	پوست و چرم
<b>۷۰۶</b>	<b>مجموع</b>
<b>خدمات</b>	
۱۰۵۳	خدمات کسب‌وکار
۶۹۳	عمده فروشی و خرده فروشی
۵۳۹	واردات و صادرات
۳۹۲	ساخت و ساز، حمل و نقل، انبارداری و خدمات پستی
۶۸	خدمات مالی
۱۴	انتقال اطلاعات، خدمات رایانه‌ای و نرم افزار
۱۲	خدمات اجتماعی
<b>۲۷۷۱</b>	<b>مجموع</b>
<b>معادن</b>	
۳۱۹	محصولات معدنی
۴۵	تولید و عرضه نفت، آب و برق
<b>۳۶۴</b>	<b>مجموع</b>
<b>۳۸۴۱</b>	<b>تعداد کل پروژه‌های تمام بخش‌ها</b>



حدود ۷۲ درصد از پروژه‌ها در بخش‌های خدماتی بوده‌اند، در حالی که ۱۵ درصد از آنها در بخش تولیدات صنعتی و مابقی تقریباً به طور مساوی بین بخش کشاورزی و بخش‌های مرتبط با منابع طبیعی تقسیم شده‌اند. دو بخشی که بالاترین تعداد پروژه‌های سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده‌اند عبارتند از: خدمات کسب‌وکار (۱۰۵۳ پروژه) و واردات و صادرات (۵۳۹ پروژه). بنابراین، برخلاف تصور رایج، اکثر پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی چین در بخش‌های مرتبط با منابع طبیعی صورت نگرفته است، بلکه به طور عمده به بخش‌های خدماتی راه یافته‌اند. برای نمونه، در نیجریه نفت خیز، حدود دوسوم پروژه‌ها در بخش خدمات بوده‌اند.

## نتایج مطالعه

نخست، از نتایج مطالعه این‌گونه برمی‌آید که **سرمایه‌گذاری چینی‌ها در بخش‌های سرمایه‌بر در کشورهای آفریقایی کم‌سرمایه بیشتر بوده است.** فرضیه دوم مطالعه نیز بدین ترتیب تأیید شده است که **سرمایه‌گذاری چینی‌ها جذب کشورهای آفریقایی شده است که از نظر سیاسی با ثبات هستند.** در واقع، ثبات سیاسی کشورهای آفریقایی مقصد بر الگوی توزیع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شرکت‌های چینی در بخش‌های اقتصادی مختلف این قاره تأثیر گذاشته است، **در حالی که کیفیت حکمرانی کشورها (شاخص‌های حاکمیت قانون) با الگوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور ارتباط نظام‌مندی نشان نمی‌دهد.** در واقع، **در کشوری که هزینه سرمایه بالاتر است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در بخش‌های سرمایه‌بر متمرکز شده است، به ویژه در بازارهایی که از نظر سیاسی بی‌ثبات هستند.** یک توضیح بالقوه این است که در محیط‌های کسب‌وکار بی‌ثبات به لحاظ سیاسی، سرمایه‌گذاری با ریسک بیشتری همراه است و البته بازده انتظاری نیز به همین میزان می‌تواند بالاتر باشد.

در فروض فوق، الگوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی را که ناظر به تفاوت کشورها در بهره‌مندی از عوامل تولید است را بررسی کردیم. اما گونه دیگری از سرمایه‌گذاری با هدف دستیابی شرکت‌ها به بازار بزرگتر در خارج از کشور مبدأ صورت می‌گیرد. این فرضیه پایانی نیز بدین صورت تأیید شده است که کشور مقصد سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی اندازه بازار بزرگتری داشته است یا هزینه حمل کالا یا خدمات از چین به آنها بالا بوده است. بنابراین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی چین در کشورهای آفریقایی که بازار بزرگتری دارند بیشتر صورت گرفته است.



## جمع‌بندی

داده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در کشورهای آفریقایی نشان می‌دهد که سهم چین از کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در این قاره هرچند کم بوده اما به سرعت افزایش یافته است. سرمایه‌گذاری چینی‌ها درست مشابه سرمایه‌گذاران غربی جذب کشورهای غنی از منابع طبیعی شده است. اما یک نکته مهم در توزیع سرمایه‌گذاری چینی‌ها در مقایسه با سرمایه‌گذاران غربی، بی‌تفاوتی سرمایه‌گذاران چینی به حقوق مالکیت/حاکمیت قانون در کشورهای سرمایه‌پذیر است. این در حالی است که غربی‌ها بیشتر تمایل دارند سرمایه‌های خود را از محیط‌های با حکمرانی ضعیف دور نگه دارند. در نتیجه، سرمایه‌گذاری چینی‌ها در کشورهایی که حکمرانی ضعیفی دارند به نسبت هم‌تایان غربی خود بالا بوده است.

تعدادی از سرمایه‌گذاری‌های کلان که در حوزه پروژه‌های منابع طبیعی صورت گرفته است، توسط شرکت‌های دولتی چین انجام شده‌اند. اما سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی کوچک و متوسط چین در آفریقا تصویر بهتری از سرمایه‌گذاری چینی‌ها در این قاره نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های پایگاه داده وزارت بازرگانی چین، تعداد کمی از سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی چین در بخش منابع طبیعی بوده است. بلکه به طور عمده سرمایه‌گذاران بخش خصوصی چین، در بخش خدمات سرمایه‌گذاری کرده‌اند و همچنین، تعداد قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌ها راهی بخش تولیدات صنعتی کشورهای آفریقایی شده است.

علاوه بر این، سرمایه‌گذاری چینی‌ها همانند غربی‌ها سود-محور بوده است و نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شرکت‌های چینی میزان بیشتری از سرمایه را روانه بخش‌های مهارت‌بر در کشورهای دارای نیروی کار ماهر کرده‌اند. این الگو در خصوص عامل سرمایه به این صورت بوده است که سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در بخش‌های کمتر سرمایه‌بر در کشورهای دارای سرمایه فراوان انجام شده است. این الگوها در کشورهایی که بی‌ثباتی سیاسی دارند به شکل قوی‌تری مشاهده شده است که نشان از انگیزه‌های قوی‌تر برای حداکثرسازی سود در محیط‌های سخت‌تر دارد.

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، گسترش بازار یکی دیگر از دلایل بنگاه‌های چینی برای سرمایه‌گذاری در این قاره بوده است. زیرا همبستگی مثبتی بین اندازه بازار و میزان سرمایه‌گذاری در کشورهای آفریقایی مشاهده شده است. این همبستگی زمانی که هزینه تجارت بین‌المللی برای کشور مقصد سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد، تقویت می‌شود.

نتیجه دیگر این مطالعه حاکی از آن است که چینی‌ها سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در بخش خدمات در کشورهای آفریقایی کرده‌اند که مستقل از اندازه بازار و هزینه‌های تجاری صورت گرفته‌اند، اما ارتباط همبستگی منفی میان این سرمایه‌گذاری‌ها و وجود نیروی انسانی ماهر و بهره‌مندی از منابع طبیعی مشاهده شده است.



منبع

Why Is China Investing in Africa? Evidence from the Firm Level (2018). *The World Bank Economic Review*, 32(3). 610–632. Published by Oxford University Press on behalf of the International Bank for Reconstruction and Development